

نکاتی پیرامون نقدنویسی و چارچوب‌های اصلی آن

... آینه شکستن خطاست!

اشرف‌السادات موسوی



متکی بر علم

اصطلاح «نقد» در زبان فارسی معادل شناخت مزایا و معایب یک اثر هنری است، چنان که معادل انگلیسی این واژه یعنی «Criticism» نیز به معنای داوری کردن است و بدون شک داوری کردن، پیرامون شناخت نیک و بد و سره و ناسره به کار می‌رود. نقد نه علم مستقلی است و نه منحصرأ جنبه‌ی علمی دارد، بلکه می‌توان آن را فنی دانست که بر روش‌ها و طریقه‌های علمی متکی است. نقد سینمایی که از آن می‌توان با عناوین فیلم‌سنجی و فیلم‌شناسی نیز یاد کرد، عبارت است از: «شناخت ارزش و بهای آثار سینمایی و شرح و تفسیر آن‌ها به نحوی که مشخص شود وجوه مثبت و منفی اثر چیست و دلایل این وجوه چه هستند». البته در روزگار اخیر منتقدان سینمایی پارا از این هم فراتر نهاده و تنها به شناخت بد یا خوب آثار اکتفا نکرده و می‌کوشند اسباب ایجاد یک فیلم خوب را به فیلمسازان نشان دهند. بر این اساس منتقدان درجه اول همواره کوشیده‌اند تا جایی که ممکن باشد ضمن بیان امور جزئی، به احکام کلی هم توجه کنند تا بتوانند بدین شیوه دست کم به کسانی که در سینما تازه‌کار و کم‌تجربه‌اند کمک کنند.

ارکان نقدنویسی

نقد سینمایی از این حیث که نیازمند شناخت بوده امری است که می‌بایست از جهات مختلف اجتماعی، احساسی و زیبایی مورد ملاحظه قرار گیرد، یعنی کسی که قصد دارد به نوشتن نقد سینمایی روی آورد ناچار است که با بسیاری از مباحث جامعه‌شناسی، روانشناسی و زیبایی‌شناسی ارتباط برقرار کند و از این منظر نیاز دارد از این علوم اطلاعاتی نسبی داشته باشد. برخی از کارشناسان در گفته‌های خود، نقد و به‌ویژه نقد سینمایی را وابسته به حس و تجربه

هم دانسته و این دو عامل را اصلی‌ترین ارکان نقدنویسی می‌دانند. به اعتقاد این گروه ارزش نقد تنها به دارا بودن سواد و معلومات سینمایی منحصر نبوده و منتقد باید بتواند دانسته‌های خود را به بهترین شکل و از طریق احساسات درونی که در قالب نوشتن متجلی می‌شود به نقد تبدیل کند. بر این اساس می‌توان نقد را ترکیبی از هنر و علم دانست، به این معنا که آن‌جا که مقصود از نقد سینمایی تحلیل عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده‌ی یک فیلم و علل رخداد لحظه به لحظه‌ی داستان است نقد علم بوده و البته جزئی از علوم روانشناسی و جامعه‌شناسی! اما آن‌جا که منتقد می‌خواهد شناخت و اوصاف اثر سینمایی را به درونیات ذهنی نویسنده‌ی فیلمنامه یا کارگردان نزدیک کرده و نتیجه‌ی کلی و عمومی به دست آورد بیش‌تر به هنرهای هفتگانه نزدیک است.

ارزش ادبی نقد سینمایی

آیا نقد سینمایی را می‌توان یکی از شاخه‌های ادبیات نوشتاری قلمداد کرد؟ کسانی که برای نقد، حدود مشخصی قابل نیستند به این سؤال جواب منفی می‌دهند، چرا که به اعتقاد این عده هر گونه نقدی و از آن جمله نقد سینمایی برخلاف فنون ادبی حدود و اوصاف مشخص و معینی ندارد. در مقابل گروهی دیگر بر این باورند که نقد سینمایی هر چند در طول تاریخ هرگز به حدودی مشخص محدود نمانده است اما در عالم سینما همواره وظیفه‌ی خاص که استفاده از قوانین نوشتاری در جهت تحلیل کامل یک اثر سینمایی بوده را پیگیری می‌کرده و بر همین اساس می‌بایست آن را نوعی از ادبیات نوشتاری به حساب آورد.

تکامل تاریخی

تاریخ نقد از یک منظر مهم با تاریخ سیاسی،

اجتماعی یا اقتصادی تفاوت‌هایی عمیق دارد؛ متونی که تاریخ نقد و به‌ویژه نوع سینمایی آن بر آن‌ها مبتنی است پیش روی ماست و می‌توانیم آن‌ها را بخوانیم، تفسیر کنیم، تعبیر کنیم، دربارشان به مباحثه بپردازیم و حتی آن‌ها را نقد کنیم، چنان که گویی دیروز نوشته شده‌اند. بدین سبب تاریخ نقد به مفهومی که مثلاً تاریخ جنگ‌ها را می‌نویسیم، تاریخ نیست. تاریخ نقد نمی‌تواند صرفاً بحثی درباره‌ی متون بی‌زمان باشد و نباید به شاخه‌ی از تاریخ عمومی یا فرهنگی تقلیل یابد. باید راهی یافت تا بتوان به تاریخ درونی نقد اندیشید. تعمق در تاریخ نقدنویسی سینمایی بیانگر این مسئله است که هر چند در ابتدا هدف از نقد سینمایی تنها اشاره به اشکالات فنی یک اثر سینمایی بود اما رفته‌رفته منتقدان به این باور رسیدند که می‌بایست در کنار پرداختن به کیفیت فنی آثار سینمایی تا حدود زیادی به بررسی ماهیت مفاهیم ارایه‌شده در فیلم‌ها هم بپردازند. اکنون نیز پس از گذشت سال‌ها از آغاز نقدنویسی، منتقدان غالباً تلاش دارند بدین شیوه عمل کنند، یعنی هم فیلم را به لحاظ کیفیت بازی بازیگران، فیلمبرداری و در نهایت کارگردانی مورد تحلیل قرار دهند و هم با یافتن معانی مد نظر فیلمنامه‌نویس یا کارگردان جنبه‌های روانشناسانه یا جامعه‌شناسانه‌ی فیلم را کشف کنند. این مسئله این نکته را ثابت می‌کند که آن چه امروز نقد سینمایی خوانده می‌شود با آن چه در قدیم رواج داشته تفاوت چندانی ندارد، بلکه نقد مدرن فقط صورت توسعه‌یافته و تکامل‌پذیرفته‌ی نقد قدیمی است.

انسان و طبیعت

یکی از نکاتی که در بحث نقد سینمایی بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد جنبه‌ی زیبایی‌شناختی یک اثر سینمایی است، چرا که تجربه‌ی زیبایی‌شناختی تجربه‌ی متمایز از سایر



**در نقدنویسی تخصصی
باید سعی کرد به وسیله‌ی
برشمردن نقاط ضعف یا قوت
اثر در درجه‌ی اول به فیلم و در
نهایت به صنعت سینما کمک
کرد و این مسئله‌ی نیست
که بتوان با یکی - دو سال
قلم زدن در نشریه‌ی حتی
تخصصی به آن دست یافت!**

فرض بر این است که مؤثر بعد از پدیدآوری اثر می‌میرد یا برکنار از هر جهت‌گیری کنار می‌نشیند و حکومت و حاکمیت اثرش را تماشا می‌کند

۲- با فرض تفکیک اثر از مؤثر و بی‌رنگی و بی‌تعلقی مؤثر در هنگام تولید اثر، هر گاه کسی بخواهد اثری را نقد یا به تعبیر دیگر سره و ناسره کند و معایب و محاسنش را برشمارد، آن‌گاه است که او به حیث منتقد نباید به سر و دامن مؤثر بچسبد یا پایبند او شده و وارد حریم شخصی و خصوصی‌اش شود. منتقد دانا و فهمیده در هنگام نقد، اثر را نقد می‌کند و مؤثر برکنار از هر نقدی مصون می‌ماند. بر این اساس خصوصیات، عوارض و خلقیات مؤثر هیچ ربطی به اثر ندارند، زیرا مؤثر صرفاً واسطه‌ی انتقال اثر است و بس، بنابراین منتقد دانا و واقعی فقط اثر را نقد می‌کند نه مؤثر را.

۳- شاید جالب‌تر این باشد که همیشه به جای این که از مؤثر نام ببریم، از اثر یاد کنیم. اگر از مؤثر نام ببریم بدین خاطر باشد که «واسطه» را نام ببریم و هم‌چنین از نقد بگوییم نه از منتقد، زیرا که نقد در نوع خودش یک اثر است. نقد بعد از تولید حکومت می‌کند و منتقد پس از نقد می‌میرد!

۴- همواره لازم است که نشریات سینمایی، ذکاوت و زیرکی از خودشان به خرج بدهند و به نشر نوشته‌هایی که گاهی نقد اشخاص است نه آثار اقدام نکنند. شاید جنجال به پا کردن برای عوام جالب باشد اما هیچ‌گاه طرفداران نقد اصیل را ارضا نخواهد کرد!

۵- نیایستی فراموش کرد که شرط اول نقدنویسی، پاکیزگی روان منتقد از آلودگی‌ها و کاستی‌های شخصیتی و رنگ‌های مزاحم انسانیت است ■

عنوان نقد به مخاطبان ارایه کند نقدنویس همان‌طور که پیش از این هم گفتیم نیازمند داشتن بینشی صریح و کامل نسبت به امور مختلف مرتبط با یک اثر سینمایی است و بر همین مبنا هر یادداشت سینمایی را نمی‌توان نقد به حساب آورد! در نقدنویسی تخصصی باید سعی کرد به وسیله‌ی برشمردن نقاط ضعف یا قوت اثر در درجه‌ی اول به فیلم و در نهایت به صنعت سینما کمک کرد و این مسئله‌ی نیست که بتوان با یکی - دو سال قلم زدن در نشریه‌ی حتی تخصصی به آن دست یافت!

چارچوب‌های نقدنویسی

نقدنویسی نیز بهمانند هر نوع نوشتار دیگری چارچوب‌های مشخصی دارد که در صورت عدم رعایت آن‌ها، نقد سینمایی با کیفیتی حاصل نخواهد شد. در زیر به ذکر پارچه‌ی از این چارچوب‌ها می‌پردازیم:

۱- منتقد باید قبل از شروع نقد با خودش قطع رابطه کند چرا که «اثر» و «مؤثر» دو چیز مجزا هستند، به این معنا که وقتی فردی نوشته‌ی علمی، ادبی یا هنری و به‌طور کلی اثری را خلق می‌کند آن اثر - کتاب، مقاله، شعر یا نقد - هویت و شخصیت جدید، متمایز و جدایی از مؤثر یا پدیدآورنده پیدا می‌کند - مؤثر یا تولیدکننده‌ی اثر علمی، ادبی، هنری و سایر فرآورده‌های فکری، قبل از تولید و پدید آوردن، ابتدا غرض‌ورزی‌ها، حب و بغض‌ها، جانبداری‌ها، انتقام‌جویی‌ها و ناکامی‌هایش را از خود جفا کرده و سپس وارد حریم نوشتن می‌شود مؤثر در هنگام پدیدآوری اثر، انسان غیرجانبداری است که رنگ و تعلقی ندارد. او انسانی است که می‌خواهد یا تولید اثرش تاریکی یا تیرگی را به روشنایی تبدیل کند یا ابهام و معمایی را حل کرده و کشفیاتش را ارایه دهد.

تجربه‌هاست. اثر سینمایی هم، زبانی است و هم ناظر به دنیای خارج، بنابراین تنها با ابزار زبانی نمی‌توان متن ادبی را ارزیابی کرد بلکه باید به انسان و طبیعت هم نگاه کرد. اثر هنری شیئی است بیرونی و محتاج فهمیدن و برای فهمیدن کامل آن به تعبیر، تحلیل و ارزیابی نیاز داریم. ویژگی اصلی منتقدانی درجه اول نظیر «باجر ابرت» هم همین توجه وافر به جنبه‌ی زیبایی‌شناختی یک اثر سینمایی است. منتقدان حرفه‌ی می‌کوشند هیچ اثر سینمایی را غیرمرتبط با دنیای انسانی ندانسته و با کانال زدن میان ماهیت فیلم و جهان ملموس بیرونی به سنجش فیلم بپردازند. این روزها گروهی از منتقدان سینمایی و به‌خصوص نوع ایرانی آن می‌کوشند فیلم‌ها را بر اساس نظریه‌های علوم انسانی طبقه‌بندی کنند و سپس بسیار راحت فیلمی را تأیید یا رد کنند، اما این روشی نیست که سبب باروری تحلیل‌های پیرامون یک فیلم شود. روش صحیح آن است که کاملاً مستقل و فارغ از هر گونه نظریه‌ی خاصی راجع به حرفه‌هایی که در آثار سینمایی بیان می‌شوند صحبت کرده و بتوانیم درباره‌ی این حرف‌ها بحث کنیم.

یادداشت‌هایی که نقد نیستند!

«ژان میشل فرون» سردبیر نشریه‌ی «کایه دو سینما» در جایی گفته بود: «هر مطلبی که در رابطه با فیلم و سینما نوشته می‌شود نقد به حساب نمی‌آید!» این مطلب بیش از همه بیانگر تفاوت‌های ساختاری است که میان انواع گونه‌های سینمایی نویسی وجود دارد. بر این اساس یک خبرنگار سینمایی که تنها به آرایه‌ی آمار و ارقام مرتبط با یک فیلم می‌پردازد نمی‌تواند و نباید خود را منتقد بداند و دانسته‌هایش درباره‌ی اثر سینمایی را تحت